

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:
An Analysis of Contemporary Iranian Architectural and Urban
Planning Trends' Interpretations of Disorders in Tehran's Urban
Appearance from an Epistemological Perspective
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مقاله پژوهشی

تحلیل خوانش جریان‌های معاصر معماری و شهرسازی ایران از آشفتگی سیمای شهری تهران از منظر معرفت‌شناسی

رضا کسروی*

استادیار معماری منظر، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۰۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۲۵

چکیده

بیان مسئله: آشفتگی سیمای شهری تهران، مسئله مورد توافق گروه‌های مرتبط با نماهای شهری است. اما رجوع به نظرات متخصصان شهری در این موضوع نشان می‌دهد درباره سیمای مطلوب، توافقی بین صاحبان دانش شهری وجود ندارد. پرسش خوانش جریان‌های معماری و شهرسازی ایران از آشفتگی سیمای شهری تهران پای در چه معرفت‌شناسی دارد و برای مدیریت سیمای شهری کدامیک از آنها قابل پذیرش‌تر است؟ **هدف پژوهش:** این پژوهش درصدد تحلیل خاستگاه فلسفی کنش‌های جریان‌های معماری و شهرسازی ایران در موضوع آشفتگی سیمای شهری تهران است.

روش پژوهش: برای پاسخ به پرسش پژوهش، روشی کیفی در دو مرحله و مبتنی بر استدلال منطقی در پیش گرفته شده است. در ابتدا با مطالعات تاریخی کتابخانه‌ای، مبدأ زمانی پیدایش پدیده آشفتگی سیمای شهری تعیین شده است. سپس براساس دسته‌بندی جریان‌های فکری معماری و شهرسازی ایران از مبدأ بروز آشفتگی، پدیدارشناسی توصیف صاحبان دانش شهری این جریان‌ها از دلایل اغتشاش سیمای شهری تهران انجام و این نظرات با ویژگی‌های اندیشه‌ای آنها مقایسه و به صورت یک دوگانه ارائه شده است. در نهایت با بررسی پایه فلسفی از طریق تعیین معرفت‌شناسی این دوگانه، به پرسش پژوهش پاسخ شده است. **نتیجه‌گیری:** «آشفتگی» در میان متخصصان معماری و شهرسازی، یک اشتراک لفظی است، نه معنایی. تعلق به هر طرف از دوگانه فرم و صفات آن، یا محتوا پای در معرفت‌شناسی دارد که تبیین نسبت عین و ذهن به لحاظ فلسفی مهمترین بخش آن است. گره خوردن یا نخوردن زیبایی به رابطه عینیت و ذهنیت دو خروجی متفاوت در سیمای شهری دارد. در فرض جدایی، سیمای شهری امری بیرونی است، در آن هندسه محوریت دارد و به نظم قطعی متمایل است لذا مدیریت آن با متخصصان است. طرح جامع تهران خروجی این رویکرد است. اما در فرض درهم‌تنیدگی عین و ذهن، امری ادراکی و خروجی طبیعی سوژه یا ذهن شهروندان است و زیباسازی آن امری بیرونی و شکل‌گرا نیست، در نتیجه قابل تفویض به متخصصان نیست. به نظر می‌رسد این رویکرد از نظر فلسفی قابل دفاع‌تر از سایر رویکردها است. نظم این رویکرد متناظر با اختیار و وجود پویای انسان، استنباطی، حداقلی و سیال است.

واژگان کلیدی: منظر شهری، سیمای شهری، تهران، زیبایی، آشفتگی.

مقدمه و بیان مسئله

از اغتشاش، نوعی ناهمگونی، نازیبایی و ناهماهنگی است که به دلیل عدم مطلوبیت نیازمند اقدام است (شهبازی چگنی و همکاران، ۱۴۰۲). مراد از سیمای شهری^۱، وجه کالبدی منظر شهری^۲ است که نماهای شهری بخش مهمی از آن هستند. در مقام توضیح، منظور

امروزه سخن از آشفتگی و اغتشاش سیمای شهری تهران زیاد شنیده می‌شود (گلی پور و همکاران، ۱۴۰۰). منظور

*نویسنده مسئول: ۰۹۱۲۸۰۰۰۳۵۵ reza.kasravi@ut.ac.ir

دارد و برای مدیریت سیمای شهری کدامیک از آنها قابل پذیرش تر است؟

پیشینه پژوهش

با توجه به وجوه مختلف موضوع سیمای شهری، می‌توان به دو دسته مختلف «نظری»/ «عملی-کاربردی» یا به عبارت دیگر «محتوایی»/ «رویه‌ای» پرداخت. در این دسته‌بندی، موضوعات اجتماعی، اقتصادی، روانی و زیبایی‌شناسی، هویتی در دسته چالش‌های نظری و طراحی، ابزار، ملاحظات فنی و تکنولوژیکی نما و اجرا در دسته چالش‌های عملی-کاربردی قرار دارند. به‌طور کلی پژوهش‌های محتوایی درباره اغتشاش در سیمای شهری تهران کم نیستند اما با عنایت به هدف این مقاله مواردی که مرتبط با کنشگران سیمای شهری و خوانش آنها از اغتشاش سیمای شهری است و به نوعی وارد مسئله‌شناسی فرهنگی و فلسفی آن می‌شوند، اندک‌اند. مقاله «خوانش عوامل مؤثر بر ارتقای نماهای مسکونی شهر تهران از دیدگاه کنشگران» نوشته گلی‌پور و همکاران (۱۴۰۰) به تبیین جایگاه کنشگران نماهای مسکونی شهر تهران پرداخته در این مورد قابل توجه است. خاتمی و بوجاری (۱۳۹۹) در مقاله «تحلیل چالش‌های نماهای شهری تهران در سده اخیر» با نگاهی تاریخی به نماهای دوره پهلوی اول، دوم و جمهوری اسلامی می‌پردازند و حاکمین شهری، سرمایه‌گذاران و معماران را عناصر ذی‌نفوذ مسئله نماهای شهری می‌دانند. تقلیل متخصصان، به معماران و مسئله معماری در این مقاله قابل توجه است. امین‌زاده و همکاران (۱۴۰۲) در مقاله «آسیب‌شناسی قوانین و مقررات تأثیرگذار بر نمای ساختمان‌های جدید» به نقش قانون یا حاکمیت در مدیریت سیمای شهری می‌پردازد. در مقاله «بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر کیفیت معماری شهری و سیمای شهر» (رضازاده، ۱۳۸۹) جایگاه محتوای شهر بر کیفیت معماری و سیمای شهر مد نظر قرار گرفته است. پژوهش «تعامل فرهنگ و معماری، تبیین مؤلفه‌های فرهنگی مؤثر بر معماری ایران در دوره معاصر» (معظمی، ۱۳۹۱) از دریچه فرهنگ به مسئله آشفستگی در کلیت معماری ایران می‌پردازد. در این پژوهش، ریشه وضعیت آشفته معماری و شهر در ایران، اذهان و رویاهای آشفته جامعه ایرانی و گسست‌ها و گم‌گشتگی‌های فرهنگی در جامعه‌ای است که ویژگی بارز آن «کوتاه‌مدت» بودن است. از نظر منتقدان منظور صاحب نظریه، دولت کوتاه‌مدت است، وگرنه اگر جامعه ایران کوتاه‌مدت می‌بود، این کشور چند هزاره پایدار نمی‌ماند (طباطبایی، ۱۳۹۶). به‌علاوه تاریخ شکل شهر سنتی نشان‌چندانی از دشمنی بین حاکمیت و مردم وجود ندارد. پژوهش «تبیین مفهوم تخیل همدلانه در اندیشه‌های

از منظر شهری ادراک از شهر است که از درهم‌تنیدگی عین و ذهن نزد انسان حاصل می‌شود و در این میان، عین یا فیزیک شهر، سیمای شهر است (کسروی و هاشمی‌زادگان، ۱۴۰۲؛ منصور و مخلص، ۱۳۹۶). لولینی دو گروه تأثیرگذار مرتبط با نماهای شهری را عموم مردم و مدیریت شهری می‌داند. او مدیریت شهری را طیف سیاست‌گذاران، مدیران، متخصصان و حرفه‌مندان دخیل در تولید و استفاده از اسناد و ضوابط می‌داند (Loliini, 2018) به نقل از گلی‌پور و همکاران، ۱۴۰۰). اگر با اندکی اصلاح، مدیریت شهری به نهادهای حاکمیتی و متخصصان (یعنی واسطه اعمال سیاست‌های حاکمیتی به زبان معماری و شهرسازی) تفکیک شود، بسامد واژگان آشفستگی و اغتشاش در نظرات سه گروه مردم، نهادهای حاکمیتی و متخصصان شهری، اثبات‌کننده وجود جدی مسئله‌ای به نام آشفستگی‌نماهای شهری تهران است (شهبازی چگنی و همکاران، ۱۴۰۲؛ ظریف‌پور لنگرودی و همکاران، ۱۴۰۱؛ خاتمی و بوجاری، ۱۳۹۹؛ امین‌زاده و همکاران، ۱۴۰۲؛ صادقی و همکاران، ۱۳۹۷؛ نصر و ماجدی، ۱۳۹۲؛ بهزادفر، ۱۳۹۲). نماهای نامتجانس یک کوچه، نبود یکپارچگی در یک خیابان و ناسازواری سبک‌های مختلف معماری در بدنه‌های شهری و تنوع زیاد بدون نشانه‌ای از وحدت، انگار که نظامی روشن، رویکردی مشخص، قانونی یا زیباشناسانه در کار نیست، بیانگر این است که پای یک مسئله زیبایی‌شناسانه در میان است. از آنجاکه پیامد این وضعیت محدود به کاهش کیفیت بصری نیست، بلکه سبب تضعیف حس مکان می‌شود و از این راه به آشفستگی کارکردی در زندگی انسان منجر می‌شود و به‌طور کلی سلامت روان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و به نزول کیفیت زندگی می‌انجامد (بهرامی برومند، ۱۳۹۷، ۱۹؛ Grahn & Stigsdotter, 2003; Kweon et al., 2008; Hu et al. 2023). جایگاه تهران در ایران، ضرورت پرداختن به آشفستگی سیمای شهری آن را پررنگ‌تر می‌کند. از آنجاکه راه‌حلهایی که تاکنون با تمرکز بر شکل و صورت معماری برای کنترل بصری و مداخله برای بهبود وضعیت آشفته سیمای شهری اتخاذ شده، در عمل فاقد کارایی و مقبولیت لازم بوده است، به‌نظر می‌رسد برای فهم عمیق‌تر مسئله باید به تحلیل چارچوب‌های نظری پرداخت. در این مقاله، مسئله‌شناسی از طریق تحلیل خاستگاه‌های اندیشه‌های متخصصان شهری به‌عنوان محل رجوع و گروهی که به‌دلیل اثر مستقیم بر ارائه راه‌حل، جایگاه خاصی در کلیت موضوع دارند، مدنظر است.

پرسش پژوهش

خوانش جریان‌های معماری و شهرسازی ایران از مسئله آشفستگی سیمای شهری تهران پای در چه معرفت‌شناسی

مدیریت سیمای شهری از نوع کاربردی به شمار می‌رود. در بخش اول، برای به دست آوردن قدر مشترک نظرات یا کشف بین‌الذهانیت احتمالی قرائت‌کنندگان آشفتگی سیمای شهری، با روش پدیدارشناسی به دنبال «توصیف» صاحبان دانش شهری از دلیل آشفتگی سیمای شهری تهران در منابع نوشتاری و مصاحبه‌های آنان رفته است. در گام بعدی برای دسته‌بندی جریان‌های معماری و شهرسازی از مبدأ تاریخی بروز پدیده آشفتگی، به طور خاص از تقسیم‌بندی کتاب «شرح جریان‌های فکری معماری و شهرسازی در ایران معاصر» استفاده کرده است. با عنایت به تمرکز عمده فعالیت شخصیت‌ها و جریان‌های معماری و شهرسازی کشور در تهران، دسته‌بندی فوق مربوط به تهران نیز هست. در این مرحله، توصیف‌های متخصصان معماری و شهرسازی که در گام اول جمع‌آوری شد، در طبقه‌بندی جریان‌هایی که به آنها تعلق دارند جانمایی شده و براساس خاستگاه اندیشه‌های آن جریان خاص و تکیه بر چارچوب فکری آن تحلیل شده است. تعریف دوگانه فرم و محتوا خروجی این بخش است. در بخش سوم، مقاله برای نشان دادن تفاوت زیرلایه‌های اندیشه از روش پژوهش فلسفی استفاده کرده و وارد حوزه معرفت‌شناسی شده و ارتباط عین و ذهن را در قالب سه رویکرد عینی‌گرایی، ذهنی‌گرایی و عینی-ذهنی‌گرایی بررسی کرده است. در نهایت با جمع‌بندی و نتیجه‌گیری شده، خروجی اتکا به هر یک از جریان‌های معماری و شهرسازی برای حل مسئله آشفتگی سیمای شهری تهران را تحلیل کرده و نظم مقبول معرفی کرده است.

بدنه بحث

ویتگنشتاین در فلسفه متأخر خود نشان داد که استفاده بد فیلسوفان از زبان روزمره چگونه می‌تواند آنها را دچار سردرگمی کند. این نظر که معنای واژه از طریق توجه به کاربرد آن آشکار می‌شود برگرفته از فلسفه زبان ویتگنشتاین است و به منزله یک ابزار نظری می‌تواند به فهم معنای واژگان کمک کند. اگر کلمه‌ای برای ما سؤال‌برانگیز می‌نماید، راه فهم آن توجه به اقسام فراوان و مختلف کاربرد آن است (Thompson, 2016). آشفتگی در سیمای شهری تهران و نازیبایی ناشی از آن موضوعی است که بسیاری از نخبگان سیاسی و فرهنگی در کنار متخصصان معماری و شهرسازی درباره آن اظهارنظر کرده‌اند به گونه‌ای که به نظر می‌رسد درباره وجود «آشفتگی» و تعریف آن «تفاهم مفهومی» وجود دارد. اما اینکه آیا واقعاً چنین است نیازمند راستی‌آزمایی است. بدنه این مقاله دو بخش دارد: در بخش اول آشفتگی به عنوان یک پدیدار نزد نحله‌های مختلف معماری و شهرسازی کشور از مبدأ زمانی معین بررسی و در

پراگماتیستی رورتی به مثابه راهی برای برون‌رفت از اغتشاش در نمای بناهای مسکونی در شهرهای معاصر» (شهبازی چگنی و همکاران، ۱۴۰۲) از دریچه عملگرایی و نه دوگانه‌های تقابل‌گرایانه و با کمک‌گرفتن از اندیشه ریچارد رورتی فیلسوف آمریکایی، فردگرایی را عامل اغتشاش سیمای شهری می‌داند و در مقابل آن مشارکت جویی را به عنوان راه‌حل پیشنهاد می‌دهد. مقاله «تجربه زیبایی‌شناسی محیط» نوشته پاکزاد و ساکی (۱۳۹۳) به واکاوی مفهوم زیبایی در تاریخ شهرسازی و طراحی شهری پرداخته است و به طور خاص از غلبه رویکرد عینی‌گرایانه به این مفهوم و استفاده از معیارهای فرم‌گرایانه برای خلق فضاهای زیبا سخن می‌گوید.

«خیابان مقایسه تطبیقی منظر خیابان در تاریخ معاصر تهران» (آتشین‌بار، ۱۳۹۲) پژوهشی است که در حوزه تخصصی منظر، به اثر مدرنیسم در منظر خیابان تهران پرداخته است. نویسنده نظم را در مقابل آشفتگی، عنصر اصلی در تحلیل منظر خیابان دانسته و به انواع آن پرداخته است. این پژوهش از محدود تحقیقاتی است که با توجه به بستر ایران نوشته شده است و نگاه وجودی و نه عینی‌گرایانه به مسئله منظر خیابان دارد.

پژوهش «تحلیل زیباشناختی کالبد فضای شهری» (مولوی، ۱۳۸۴) که با هدف کسب توانایی تحلیل فضای شهری به وسیله معیارهای زیبایی‌شناختی مورد قبول طراحان شهری نوشته شده، به دنبال پرداختن به مقوله فرم و محتوا در فضای شهری است. در این رساله به اثبات عینی‌بودن زیبایی و مشترک‌بودن داوری زیباشناختی در میان مردم پرداخته شده است. از نظر نویسنده، فضای شهری را می‌توان از دو جنبه بررسی کرد: کالبدی و محتوایی. کالبد و محتوا بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. اما از آنجاکه هدف تحقیق او تحلیل زیباشناختی کالبد فضای شهری است (که به دو بخش عناصر بصری و روابط متقابل میان عناصر مزبور که ترکیب‌بندی فضا را به وجود می‌آورند)، به مسئله محتوا نمی‌پردازد. این مقاله اولاً در ساحت معماری و شهرسازی به مسئله می‌پردازد و حوزه کلان‌تری مانند فرهنگ را زمینه بحث قرار نمی‌دهد، اما از فلسفه برای عمق‌دادن به بحث بهره می‌برد.

روش پژوهش

این پژوهش به دنبال بررسی مسئله‌خوانی جریان‌های معماری و شهرسازی معاصر از مسئله آشفتگی سیمای شهری تهران از روش پژوهش پدیدارشناسانه و فلسفی استفاده و نتایج را از طریق استدلال و استنتاج منطقی استخراج کرده است لذا از نوع کیفی است و با توجه به امکان کاربست رویکرد آن در

• **سال‌های ۱۳۶۰-۱۳۸۰ ه.ش (مدرنیزاسیون دوطرفه)**
- فرهنگ گرایبی: اصول گرایبی - سنت گرایبی - تاریخ گرایبی
با انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ ه.ش نگاه انقلاب منشأ پیدایش دیدگاه‌های جدیدی به شهرسازی و معماری شد. عصیانگری در مقابل مدرنیسم و توسعه از بالا در دوره قبل، بازگشت به ریشه‌ها را تقویت می‌کند. نگاه هجران‌زده به زیبایی گذشته از دست‌رفته بیش‌وکم دور و نفی کامل گذشته نزدیک، مهم‌ترین ویژگی این گرایش جدید است. هادی ندیمی، مهدی حجت، باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی، محمدرضا حائری، حسین سلطان‌زاده و عباس فرخ زنوزی نمایندگان این نحله هستند.

- **مدرنیسم اکولوژیسم-ساختارگرایبی-مدرنیسم-اکسپرسیونیسم**
بهره‌فرایند علمی و استفاده از ابزارهای برنامه‌ریزی شهری، طراحی شهری و به یک معنا شهرسازی در مقیاس جهانی راه‌حل سازمان‌دهی فضایی و کالبدی می‌داند. ویژگی دیگر این جریان تأکید بر نقش توسعه‌گری است. از جمله افراد شاخص این گرایش عبارتند از ایرج اعتصام، منصور فلامکی، سیروس باور، بهروز پاکدامن، سهراب مشهودی، منوچهر مزینی، مجید غمامی و داراب دیبا.

- **پست‌مدرنیسم: پست‌مدرنیسم واقع‌گرا- نو سنت گرایبی**
طرفداری از بازآفرینی و نوزایی ارزش‌های معماری و شهرسازی بومی از مشخصه‌های این گرایش است که با تأکید بر قانون‌مداری، کثرت‌گرایی، مشارکت، گفت‌وگو و خردباوری پیگیری وحدت با محیط اطراف خود است. بازگشت به سنت و بازخوانی آن در چارچوب موارد گفته‌شده نظمی جدید و ارزش‌هایی نو می‌آفریند. افرادی همچون علی‌اکبر صارمی، سید محمد بهشتی، کامران صفامنش از جمله کسانی هستند که در این گروه دسته‌بندی می‌شوند (همان).

آشفستگی سیمای شهری؛ اشتراک لفظی و نه مفهومی
جدول ۱ نشان می‌دهد درحالی‌که به نظر می‌رسد منظور از آشفستگی سیمای شهری تهران روشن است، مفهوم آن نزد جریان‌های مختلف به دلیل خاستگاه مختلف، متفاوت است. اگرچه ممکن است مثلاً هر دو متخصصی که یکی در حوزه شهرسازی مدرن و دیگری در حوزه شهرسازی پست مدرن فعالیت می‌کند، عامل آشفستگی ضعف را در تدوین اصول و معیارها بدانند، تعلق به دو آبشخور فکری مختلف باعث می‌شود اصول و معیارهای مدنظر هر یک با دیگری متفاوت باشد. به عبارت دیگر آشفستگی سیمای شهری در میان متخصصان، یک اشتراک لفظی است. عدم تفاهم در خصوص مفهوم آشفستگی، به معنای عدم تفاهم در مورد راه‌حل است لذا بر سر سیمای شهری نآشفته و مطلوب توافقی وجود ندارد. اعمال سیاست‌های برآمده از هرکدام از

بخش دوم معرفت‌شناسی کلان این جریان‌ها با هم مقایسه می‌شوند.

• **جریان‌شناسی معماری و شهرسازی ایران از دهه ۴۰ ه.ش**
مفهوم شهرنشینی شتابان برای توصیف افزایش رشد جمعیت شهری تهران نسبت به قبل، منسوب به آغاز اتکا به درآمد نفت به جای مازاد تولید کشاورزی است که با برنامه‌ریزی نامتوازن توسعه اجتماعی و تأکید بیش از حد بر گسترش بافت‌های شهری به صورت ازهم‌گسیختگی انتظام پیشین در شبکه شهری و رشد پدیده بزرگ‌سری (ماکروسفالی) در شکل رشد پایتخت خود را نشان داد (آبادیان، ۱۳۹۷).
از نظر تاریخی، هرج‌ومرج در نظام کالبدی شهر تهران در همراهی با ظهور نتایج اصلاحات ارضی در نتیجه سیاست مدرنیزاسیون از بالا (دولت و طبقه حاکم) یعنی انقلاب سفید بهمن ماه ۱۳۴۱ ه.ش آغاز شد. تغییر نظام معیشتی و سکونتی در روستاها و تصمیم دولت بر ارائه چهره‌ای از جهش و توسعه هماهنگ با دگرگونی‌های جهانی، شهر را به تبلور کالبدی این توسعه تبدیل کرد و ناکامی طرح‌های توسعه شهری در مدیریت این رشد ناگهانی آشفستگی کالبد شهر را در پی داشت (حبیبی، ۱۳۸۹).

بر مبنای تقسیم‌بندی کتاب «شرح جریان‌های فکری معماری و شهرسازی در ایران معاصر» (همان)، جریان‌های معماری و شهرسازی همزمان با تحولات کالبدی شهر تهران معرفی و سپس در **جدول ۲** نظرات برخی از افراد این جریان‌ها در خصوص آشفستگی سیمای شهری تهران بیان و بعضاً راه‌حل آنها دسته‌بندی و ارائه می‌شود.

• **سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۴۰ ه.ش مدرنیزاسیون یک‌سویه (از بالا)**

معماران این دوره عمدتاً طرفداران مکتب باوهاوس و مدرنیسم هستند که همه را می‌توان طرفداران سبک بین‌المللی دانست که در جهت توسعه‌گری حاکم هستند. نشانه‌های اولیه توجه به سنت و زمینه‌گرایی در آثار برخی از معماران این دوره با توجه به ظهور اندیشه پست‌مدرنیسم به چشم می‌آید.

شهرسازی توسعه‌گرایانه همگام با سبک بین‌الملل ویژگی این دوره است. مبنای کار شهرسازی این دوره جمع‌بندی منشور آتن است. آشفستگی‌ها و عدم انطباق‌هایی که چنین توسعه‌ای با بستر جامعه دارد بیان فضایی و گویش کالبدی خود را در شهر عرضه می‌دارد. طرح‌های فریبنده شهری روی کاغذ یکی پس از دیگری از تصویب «شورای عالی شهرسازی» می‌گذرد و در عمل آشفته‌گی و هرج‌ومرج سازمان فضایی-کالبدی دهه ۵۰ ه.ش را نتیجه می‌دهد. طرح‌های جامع شهری نه‌تنها توان تسلط بر اوضاع آشفته شهر را ندارند، بلکه خود پایه ایجاد مسائل تازه می‌شوند (همان).

جدول ۱. دسته‌بندی متخصصان شهری که درباره آشنفتگی سیمای شهری تهران اظهار نظر کرده‌اند (براساس طبقه‌بندی جریان‌های معماری و شهرسازی امروز ایران). مأخذ: نگارنده.

حوزه	متخصص	دلیل آشنفتگی	جریان فکری و چارچوب اندیشه	سیمای شهری		
معماری	ایرج اعتصام	شهرسازی نادرست نه معماری (اعتصام، به نقل از تغییر چهره معماری ...، ۱۳۹۵)	<ul style="list-style-type: none"> - علمی تجربی - ساختارگرایی - خلوص و صراحت در فرم - معماری و شهرسازی توسعه‌گر - فرم‌گرایی - نفی تقلید از گذشته - خرد باوری - مطلق‌گرایی - نگاه بخشی 	۱۳۹۰		
	ایرج کلانتری (۱۳۸۴)	نقش کم معمار در ساخت و سازها				
	سیروس باور (۱۳۸۶)	دوگانگی سنت و مدرنیته در اجتماع شهری				
	فرهاد احمدی	ورود تفکر پست مدرن غربی (احمدی، به نقل از سیمای شهری ...، ۱۳۹۵)				
	داراب دیبا	توسعه نامتوازن (دیبا، به نقل از آموزش ...، ۱۳۹۳)				
	عبدالرضا زکایی	تقلید از فرم معماری مدرن (زکایی، به نقل از شفعی، ۱۳۹۴)				
	اکبر زرگر	فرهنگ و سبک زندگی مردم (زرگر، به نقل از میرقراچولو، ۱۳۹۲)				
	حسین شیخ زین‌الدین (۱۳۷۵)	رویه‌های متناقض نظام اداری				
	کامران صفامنش (۱۳۹۹)	عکس برگردان جهان مدرن				
	علی اکبر صارمی	تراکم فروشی و فروش شهر با سند طرح تفصیلی (صارمی، به نقل از آموزش ...، ۱۳۹۳)			<ul style="list-style-type: none"> - بازآفرینی و نوزایی ارزش‌های معماری بومی - کثرت‌گرایی - جلوگیری از ساخت و ساز یکدست - تاریخ‌گرایی 	۱۳۹۰
سید محمد بهشتی	وضعیت فرهنگی و اجتماعی آشفته (بهشتی به نقل از معماری مدرن ...، ۱۳۹۳)	<ul style="list-style-type: none"> - بازگشت به سنت تغییر ناپذیر الهی - فهم درون‌مایه هنر اسلامی - نمادگرایی - نگاه نوستالژیک به زیبایی از دست رفته - نفی بیشتر گذشته نزدیک (مدرنیسم) - معماری و شهرسازی مبتنی بر تاریخ - تلفیق خلاقیت حال با سنت گذشته 	۱۳۹۰			
محمد مهدی محمودی	آموزش غیر اصولی (محمودی، به نقل از شهر در ...، ۱۴۰۱)					
هادی ندیمی	معماری آشفته نتیجه فرهنگ آشفته (ندیمی به نقل از آشنفتگی معماری ...، ۱۳۹۶)					
مهدی حجت	فرهنگ بساز و بفروشی (حجت به نقل از گفت‌وگوی فرهنگی با ...، ۱۳۹۵)					
محمد رضا حائری (۱۳۷۵)	ساختمان‌سازی به جای معماری					
عاطفه کرباسی (۱۳۹۱)	اصالت تغییر، تمایز؛ کثرت محض					
سید امیر منصوری (۱۳۸۶)	فراموشی نظام اجتماعی اخلاقی و منطقی			<ul style="list-style-type: none"> - تأکید بر وجوه ادراکی انسان از محیط - کل‌نگری - زمینه‌گرایی 	۱۳۹۰	
سایمون بل	در تهران هر ساختمان ساز خودش را میزند (بل به نقل از صحت، ۱۳۸۹)					
معماری						۱۳۹۰

ادامه جدول ۱.

شماره	متخصص	دلیل آشفتگی	جریان فکری و چارچوب اندیشه	سیمای شهری
شهرسازی	جهانشاه پاکزاد (۱۳۹۹)	انتخاب رویکرد نامناسب	- تأکید بر دست آوردهای جهانی - فرایند علمی - نگاه بخشی - تفکیک شهر به عناصر اصلی و پایدار و تبعی و دگرگون شونده - تأکید بر وجوه کالبدی و عینی	۱ ۲ ۳
	کامران ذکاوت (۱۳۸۹)	فقدان ضوابط کنترل سیمای شهری		
	منوچهر مزینی (۱۳۸۷)	خودنمایی		
شهرسازی	بنگت لارسون	ترکیب ناهمگون سبک‌های مختلف (معماری تهران ... ۱۳۹۰)	- بازآفرینی اصول شهرسازی کهن - مشارکت شهر و شهروند - پایداری - زمینه‌گرایی	۴ ۵ ۶
	سید حسین بحرینی (۱۳۷۴)	زدوده‌شدن نمادهای گذشته در نتیجه غلبه مدرنیسم		
	محمود توسلی (۱۳۷۱)	فقدان اصول روشن		
شهرسازی	راضیه رضازاده (۱۳۸۹)	ضعف در تدوین اصول و معیارها		

خردگرایان، جهان‌گرایان و دانشمندان علوم طبیعی در میان «عینی‌گرایان» جای دارند و نسبی‌گرایان، پست‌مدرنیست‌ها، ساختارگرایان اجتماعی و زمینه‌گرایان شامل بسیاری از علوم اجتماعی و انسانی در طبقه‌بندی «ذهنی‌گرایان» قرار دارند (Thompson, 2016). زیبایی نیز همواره بین دو قطب عمده زیبایی ابژکتیو^۴ و زیبایی سوژکتیو^۵ در رفت‌وآمد بوده است. فرض رویکرد اول این است که زیبایی در ذات ابژه است و در فرض رویکرد دوم کیفیت در چشم ناظر است. تضاد بنیادین و معرفت‌شناسانه آنها باعث می‌شود هر دو نتوانند درست باشند. سوفیلد و دمیگ (Deming & Swaffield, 2011) سه موضع معرفت‌شناسانه معرفی می‌کنند:

۱. واقعیت ممکن است مستقل از رابطه‌اش با محقق باشد.
 ۲. ممکن است وابسته به رابطه‌اش با محقق باشد.
 ۳. ممکن است در رابطه دوسویه با آن باشد (تصویر ۱)
- واقعیت مستقل از سوژه (عینی‌گرایی)

واکاو مفهوم زیبایی در تاریخ شهرسازی و طراحی شهری نشان می‌دهد که این مفهوم به جز در سال‌های اخیر اغلب از دیدگاه عینیت‌گرا مورد توجه بوده و به همین دلیل، معیارهای آن برای خلق مکان زیبا، معیارهای فرمال بوده است (پاکزاد و ساکی، ۱۳۹۳). واقعیت مستقل از رابطه‌اش با ناظر یا به عبارت فلسفی‌تر، جدایی فاعل شناسا از ابژه، محصول پیشرفت علم تجربی است. این دیدگاه که اشیا جدای از ادراک‌کننده آنها دارای ارزش ذاتی هستند به کالبد تنها به‌مثابه ابژه‌های صرف نگاه می‌کند؛ ابژه‌های برای سوژه‌هایی

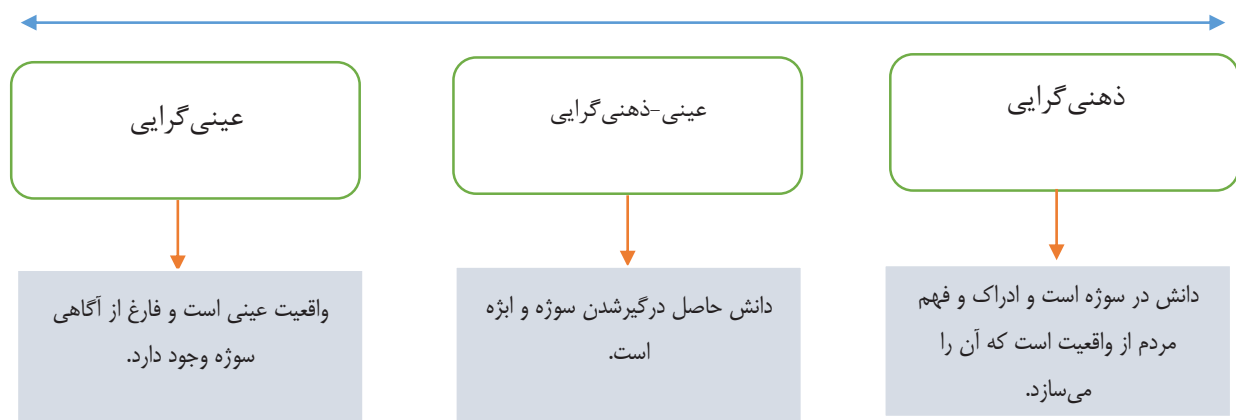
این دیدگاه‌ها در سیمای شهر پیامدهای جدی دارد. چنان‌که در پیشینه پژوهش اشاره شد، فضای شهری را می‌توان از دو جنبه بررسی کرد: کالبدی و محتوایی. اصالت‌دادن به عینیت شهر و تلاش برای زیباکردن کالبد براساس ملاحظات فرمی پای در زیبایی‌شناسی دارد که به‌نظر می‌رسد مبنای فلسفی آن باید بررسی شود. به‌همین ترتیب دخالت‌دادن محتوا در تبیین امر زیبا پای لوازم و اقتضائاتی بیش از صفات فرم را به سیمای شهری باز می‌کند. تلخیص دسته‌بندی رویکردها در جدول ۲ نشان داده شده است.

• مبانی معرفت‌شناسی سیمای شهری

سیمای مطلوب هر کدام از جریان‌های فکری معماری و شهرسازی که خروجی برنامه‌ریزی پیشنهادی آنها است، ریشه در معرفت‌شناسی آنها دارد. به عبارت دیگر، زیبایی از منظر هر یک از آنها، منوط به مبانی شناخت و تبیین نسبت آنها با واقعیت است. از این‌رو برای تحلیل محتوای دسته‌بندی جدول ۲، باید وارد حوزه فلسفه به‌طور خاص معرفت‌شناسی آنها شد. معرفت‌شناسی یا نظریه شناخت، شاخه‌ای از فلسفه است که به پرسش درباره امکان شناخت و چیستی شناخت می‌پردازد؛ پرسش‌هایی مثل این‌که شناخت به چه چیزها چگونه حاصل می‌شود (Couper, 2020, 275). معرفت‌شناسی بر رابطه بین ابژه و سوژه متمرکز است و امروزه جنگی فکری بین دو اردوگاه برقرار است؛ جنگی که سایمون بلکبرن مشخصه آن را تقابل «عینی‌گرایان» و «ذهنی‌گرایان» معرفی می‌کند. سنت‌گرایان، مدرنیست‌ها،

جدول ۲. طبقه‌بندی جریان‌های معماری و شهرسازی با توجه به تأکید بر فرم یا محتوا در سیمای شهری. مأخذ: نگارنده.

محتوا			فرم		
زمینه‌گرا	زمینه‌گرا	زمینه‌گرا	نماد گرا	کثرت‌گرا	فرم‌گرا
پست‌مدرنیسم (شهرسازی)	منظر (معماری)	مدرنیسم (شهرسازی)	سنت‌گرایی (معماری)	پست‌مدرنیسم (شهرسازی)	مدرنیسم (معماری)



تصویر ۱. سه موضع معرفت‌شناسانه. مأخذ: نگارنده.

شد. تکیه بر امر ملموس در این رویکرد باعث می‌شود فرم و صفات آن مانند رنگ، شکل، جنس مصالح مبنای ارزیابی قرار گیرد و ارزیابی سیمای شهری مثل علوم تجربی بر عهده متخصص باشد.

- واقعیت وابسته به سوژه (ذهنی‌گرایی)

ذهن‌گرایی معادل «Subjectivism» از ریشه «Subject» به معنای فاعل، شخص، سوژه است. این واژه در برابر «Objectivism» از ریشه «Object» به معنای ابژه و شیء مادی قرار دارد و منظور از آن هر چیز غیرمادی، ناملموس و درونی است (عبدالکریمی، ۱۳۸۷). معرفت‌شناسی سوپزکتیویستی فرض می‌کند، این سوژه است که معنا می‌آفریند و آن را بر ابژه تحمیل می‌کند. زیربنای این فلسفه این است که نحوه درک و درک مخاطب از واقعیت، تعیین‌کننده و ایجاد دانش است. برخلاف محققان عینیت‌گرا که شعارشان «دیدن یعنی باور کردن» است، باورهای ذهنی‌گرا تعیین‌کننده آن چیزی است که دیده می‌شود (Reese, 1980, 554-555). در این دیدگاه جهان خارج، بیانی از ذهنیات انسانی است و تجربه ذهنی اساس همه معیارها و قوانین است. فرض دیدگاه ذهنی‌گرایی بر این پایه قرار دارد که واقعیت قابل‌دسترسی نیست و هر کسی گزارش متفاوتی از واقعیت می‌دهد. از این دیدگاه، اصالت با تفسیر است، نه واقعیت و تفسیر نیز محصول ذهن است. در واقع واقعیت متفاوت

که در مقابل آن است، نه همراه با آن. این نگرش باعث می‌شود که فقط به چیزها با کیفیت یک‌سونگرانه علم نظر انداخته شود (Cohen et al., 2018; Gray, 2004). قراین بسیاری نشان می‌دهد که گزاره‌های مشاهده‌ای از جمله اظهارنظر درباره زیبایی در بردارنده نظریه هستند، یعنی مقدمه‌های ذهنی دارند. تجربه بصری مشاهده‌گر تا حدی به تجارب گذشته، معرفت و انتظارات و وضعیت درونی او بستگی دارد (چالمرز، ۱۳۹۸). نظر منتقدان این رویکرد این است که در نگاه علمی، انسان تماس بی‌واسطه خود با چیزها را از دست می‌دهد و به‌طور کلی این نگرش به‌خصوص برای مطالعات اجتماعی و مطالعه رفتار انسان که دارای جنبه‌های ناملموس است، مناسب نیست (Flick, 2004) عینی‌گرایی با تأکید بر مشروط و موقعیتی‌بودن، نفی ذات (به‌منزله چیز غیر قابل‌تغییر) و عینیت مطلق و رجوع به «روایت‌های کوچک» مورد نقد قرار گرفت. از آنجاکه باید «آنی‌بودن» را مشخصه ضروری واقعیت دانست نمی‌توان از ذاتی‌بودن زیبایی در اشیا و اتکا به آن برای رسیدن به زیبایی صحبت کرد. اساساً کسی که به مشروط‌بودن و موقعیتی‌بودن ملتزم است چگونه می‌تواند درباره «ذات» (یعنی چیزی غیرقابل‌تغییر) حرف بزند (Thompson, 2016). سیمای شهری برآمده از این رویکرد که بدون ارتباط با محتوای ذهنی مخاطب شکل می‌گیرد، جهانی و قابل‌تکرار است لذا دچار نوعی تقلیل‌گرایی است که در بالا به آن اشاره

خارج و مستقل از آگاهی انسان را فرض می‌گیرد، حال انسان آن را ادراک کند یا نکند.

در پدیدارشناسی، انسان «وجود آن-جایی» است و منظور انسانی است که در جهان حضور دارد و از آن جدا نمی‌شود. این تلقی منجر به عبور از عینی‌گرایی و ذهنی‌گرایی می‌شود که هرکدام به ترتیب به عینیت بیرونی یا ذهن ادراک‌کننده اصالت می‌دادند. در رویکرد پدیدارشناسانه به هستی، چیزها بر انسان پدیدار می‌شوند و این انسان است که نحوه بودن چیزها را آشکار و با این کار عین‌ها و حتی خود را کشف می‌کند. در پدیدارشناسی سوژه و ابژه در وحدت و یگانگی کامل باهم دیده می‌شوند (نزبیت، ۱۳۹۳) (جدول ۳).

- بحث در خصوص معرفت‌شناسی سیمای شهری تهران تهران از نیمه دوم دهه چهل ه.ش تاکنون سه طرح جامع شهری مدون به خود دیده و علیرغم تغییر نظام حکومتی از سلطنت به جمهوری، نقشه راه هدایت و توسعه شهر تهران تغییر نکرده است. طرح جامع فرمانفرمائیان مصوب ۱۳۴۸ ه.ش که با رویکرد مدرنیستی در حاکمیتی اقتدارگرا تهیه شد (کلانتری و منصور، ۱۴۰۰)، پایه در معرفت‌شناسی نوع اول دارد. مشخصه‌هایی که آتلیه شهرسازی پاریس (APUR) در نقد آخرین طرح جامع تهران مصوب ۱۳۸۶ (موسوم به طرح جامع راهبردی- ساختاری که در حال حاضر سند هدایت توسعه تهران است) بر می‌شمرد نیز بیانگر تعلق آن به معرفت‌شناسی نوع اول است. از جمله تفوق دولت قوی مرکزی و فقدان دولت محلی، غلبه رویکرد حسی در تهیه طرح جامع، نادیده گرفتن اهداف و تمایلات شهروندان به‌عنوان پیش‌شرط تشخیص مسائل شهر (منصور، ۱۳۸۸). به‌علاوه می‌توان به رویکرد مکانیستی طرح جامع ۱۳۸۶ و بی‌توجهی به شرایط فرهنگی، ملی و محلی، کالبدی بودن طرح و فقدان جامعیت لازم برای توسعه شهر نیز اشاره کرد (منصور، ۱۳۹۵). به‌طور کلی از سه گونه معرفت‌شناسی ذکرشده، نوع اول که بر جدایی سوژه و ابژه تأکید می‌کند، بیش از دو نوع دیگر امکان بروز در مدیریت شکل شهر تهران را یافته است. تأکید این معرفت‌شناسی در شهرسازی بر برنامه‌ریزی کمی و اشکال هندسی است. شهری که بر این مبنا شکل می‌گیرد، شهر شکل‌گرفته با اراده‌های شهروندان نیست، بلکه شهر شکل‌داده‌شده با یک اراده به‌منزله محصولی از خرد برتر است (Toulmin, 1990). اساساً طرح‌های جامع و تفصیلی پای در اندیشه مدرن نیمه دوم قرن بیستم دارند و معرفت‌شناسی آنها را باید مبتنی بر انفصال کالبد و شهروندان تحلیل کرد.

از منظر معرفت‌شناسی نوع سوم که در اسناد توسعه شهر تهران دیده نمی‌شود، یک‌جانبه‌بودن طراحی در شهر مدرن مورد نقد است (Heynen, 1999). به‌میان آمدن پای ذهنیت شهروندان

نمی‌شود بلکه درک‌ها عوض می‌شود (پالمر، ۱۳۷۷). در نگاه سوژکتیو، این ذهن است که معنا را بر ابژه می‌افکند. از آنجاکه در ذهن‌گرایی زیبایی‌تابعی از کیفیات ادراکی ادراک‌کننده است لذا هرگونه سعی در «شناسایی معیارهای زیبایی» عبث است. در این تبیین نمی‌توان از اشیا یا سیمای شهری زیبا صحبت کرد. به عبارت دیگر نمی‌توان زیبایی را خصوصیت عینی برخی اشیا یا آثار دانست. درست است که با مشاهده اثری طبیعی یا هنری، احساسی لذت‌بخش در مخاطب ایجاد می‌شود اما این احساس حیثیت ارجاعی ندارد و هیچ‌چیزی از خود اعیان طبیعی یا هنری را بازنمایی نمی‌کند. مسلماً علت این احساس، کیفیتی در خود اعیان است که به‌صورت تصویری برای مخاطب حاضر است، اما از خود احساس نمی‌توان علت آن را دریافت (سلمانی، ۱۳۸۹). در این نگاه، با حذف حیثیت ارجاعی امر بیرون از ذهن از جمله سیمای شهری، ارزیابی و قضاوت آن ممکن نیست.

• رابطه دوسویه سوژه و ابژه

زیبایی‌شناسی پس از طی دو مرحله قبل در آستانه مبدل شدن به پدیدارشناسی قرار گرفت و با شکستن دوگانة عین و ذهن برداشت و تحلیل‌های فلسفی جدیدتر با اتخاذ دیدگاهی تعاملی نشان داد حس زیبایی ناشی از الگوهایی است که انسان‌ها و اشیا را به هم «مرتبط» می‌کند. در این قرائت‌ها، مفهوم زیبایی با مفاهیمی همچون لذت و ادراک تفسیر می‌شود و در نتیجه زیبایی در تجارب پردازشی ادراک‌کننده جای دارد و از تعامل ویژگی‌های محرک‌ها و فرایندهای شناختی و عاطفی ادراک‌کننده حاصل می‌شود (پاکزاد و ساکی، ۱۳۹۳). در زمین منازعه حقیقت بلکیرن، پدیدارشناسان در اردوگاه ذهنی‌گرایی یافت خواهند شد. در حقیقت صفت پدیدارشناسانه گاهی مسامحتاً مترادف با ذهنی به کار می‌رود (Thompson, 2016). تأکید پدیدارشناسی بر دانش ذهنی و فاعل شناسا است لذا زاویه دید آن با عینی‌گرایی تفاوت زیادی دارد. در نوع سوم معرفت‌شناسی که سوافیلد از آن سخن می‌گوید (Deming & Swaffield, 2011)، نه تجربه را می‌توان نادیده گرفت و نه تفسیر را، بلکه می‌بایست ابتدای تفسیر را بر واقعیت نهاد. در اینجا فهم انسان از واقعیتی که قابل دسترسی است، برجسته می‌شود؛ ذهن و عین تعامل دارند و بر همدیگر مؤثرند. از این دیدگاه سوژه در رابطه دوسویه با ابژه است. در این رویکرد که شاید در اصل تلفیقی از رویکردهای اول و دوم باشد، به‌طور خاص، نظریه و عمل (عین و ذهن) نسبت به هم تقدم یا تأخیری ندارند (معینی علمداری، ۱۳۸۵). پیش‌فرض مهمی که مورد نقد پدیدارشناسان قرار دارد «دیدگاه طبیعی» است که باید آن را به کنار نهاد؛ یعنی دیدگاه اثبات‌گرایانه‌ای که وجود جهانی

جدول ۳. زیبایی در پارادایم‌های عینی و ذهنی. مأخذ: نگارنده.

تقدم در ادراک	اصالت	زیبایی	پارادایم
ابژه	ابژه	در ابژه	عینی‌گرایی
ابژه	سوژه	در چشم بیننده	ذهنی‌گرایی
باهم ادراک می‌شوند.	سوژه/ ابژه	در ارتباط سوژه و ابژه	عینی/ ذهنی‌گرایی

سه اشکال به سیمای شهری تهران که برآمده از معرفت‌شناسی نوع اول است، وارد می‌کند: اول اینکه چنین شهری همان‌گونه که فکر شده، طراحی و ساخته شده است. دوم شکل آن کاملاً هندسی است و در پی اعمال نظم قطعی در سیمای شهری است. سوم به‌طور ایده‌آل روی زمین بکر و همه‌جایی-هیچ جایی قرار دارد و به‌عبارت‌دیگر فاقد ویژگی مکانی و زمانی است (Fortier, 1995). به بیان دیگر جدایی فرم یا شکل شهر از محتوا، دوگانه تقابلی جدیدی خلق می‌کند که عبارتست از تکثر ناشی از وجودی متغیر به نام انسان و ادراک آن در مقابل یک شکلی حاصل از یک اراده یا سلیقه. از آنجاکه شهر شکل داده‌شده براساس خرد برتر، محل بروز نظم حداکثری و ایده‌یکسان‌سازی است، مدیریت آن با معیارهای کمی و اخذ تصمیم در آن با متخصصان خواهد بود. در دهه‌های اخیر، پست‌مدرن‌ها در جایگاه مخالفان نگاه یکسونگرانه مدرنیسم با طرح معرفت‌شناسی نوع سوم، بحث درباره تاریخ، زمینه و معنا را به کالبد شهر افزودند. آنها در برنامه‌ریزی، فراتر از رویکردهای منطقی علمی و از بالا به پایین و در تئوری شهری، فراتر از معرفت‌شناسی‌های پوزیتیویستی ایستادند (Warren, 2009). نظریه مکان که حاصل امتزاج فلسفی عینیت و ذهنیت بود، در دهه‌های اخیر به ساحت اندیشه معماری و شهرسازی پدیدار شده است. پدیدارشناسان نشان می‌دهد که درک جهان جدا از فردیت سوژه و بسترهای فرهنگی و تاریخی او ممکن نیست و نسبتی دیگرگونه میان عین و ذهن برقرار می‌کند. نظریه منظر (همان نظریه مکان در فضای بیرونی) که مبتنی رابطه پویای عین و ذهن، راه‌حل را حرکت در مرزهای سه امپراطوری علوم طبیعی، اجتماعی و هنر می‌داند (هاشمی‌زادگان، ۱۳۹۸). در مقابل رویکرد تقلیل‌گرایانه علم‌گرایی قرار می‌گیرد. این امر که درک انسان از مکان هم به فیزیک فضا وابسته است و هم بسته به تجربه او از آن است و امکان جداسازی این دو نیست، در کانون این نظریه قرار دارد. نظم برآمده از این معرفت‌شناسی، استنباطی است، یعنی از تکثر فهم‌ها و اراده‌های سازندگان سیمای شهری حاصل می‌شود.

نتیجه‌گیری

از بدو پیدایش مسئله آشفستگی سیمای شهری تهران در دهه ۴۰ ه.ش، جریان‌های مختلف معماری و شهرسازی علیرغم توافق بر سر لفظ آشفستگی، توافقی بر سر تبیین آن ندارند.

تحلیل نظرات متخصصان، بررسی خاستگاه فکری و فلسفی هرکدام از نحله‌های فکری معماری و شهرسازی نهایتاً به یک دوگانه فرم-محتوا می‌رسد. اصالت‌دادن به فرم و صفات آن، یا محتوا (شهروندان، تاریخ و جغرافیا)، دو دنیای متفاوت در پیش روی کسانی قرار می‌دهد که برای مدیریت سیمای شهری به آنها رجوع می‌کنند. از نظر فلسفی، غلبه معرفت‌شناسی که بر جدایی عینیت از ذهنیت تأکید می‌کند، ساماندهی نماهای شهری تهران را در ارجاع به صفات فرم می‌بیند و کار نظام‌بخشی را به متخصص می‌سپارد و تلویحاً گرایش به استانداردسازی دارد. در این رویکرد، هندسه، ابزار اعمال مدیریت است و خروجی آن یک سیمای شهری دارای قطعیت، از پیش معین و قابل اندازه‌گیری است که مدیریت آن به دست متخصصان امکان‌پذیر است. اما پیامد پذیرش نقش ذهن در ادراک زیبایی، پذیرش وجود تنوع و تکثر در برداشت مخاطب است. به‌عبارت‌دیگر در این رویکرد مرکز ثقل بحث، تکثر حقیقت‌ها و فهم‌ها است و نشان داده می‌شود که هیچ گروه یا فردی، انحصاری بر حقیقت ندارد و به‌رسمیت شناختن تفاوت‌های بی‌شمار میان انسان‌ها لازم است. در این رویکرد، به‌میان کشیدن پای ذهن، در مقابل قطعیت رویکرد شکل‌گرا، سیالیت و پویایی را وارد مسئله سیمای شهری می‌کند. در هم تنیدگی سوژه و ابژه (ساکنان شهر و کالبد شهر) زیبایی را به رابطه این دو ارجاع می‌دهد و لذا به‌نظر می‌رسد از منظر پدیدارشناسی، زیبا ساختن نماهای شهری قابل تفویض به یک گروه خاص (اگرچه صاحب دانش شهری) نیست. از آنجاکه زیبایی محصول رابطه عین و ذهن است، پدیده‌های مصنوع از جمله شهر را باید محصول تعامل عینیت شهر با ذهن شهروندان دانست لذا این رویکرد بر خلاف گرایش قبلی میل به پذیرش تکثر دارد. خروجی این نظریه که به‌نظر می‌رسد از نظر مبنای فلسفی از دیگر رویکردها قابلیت دفاع بیشتری دارد، این است که برای مدیریت سیمای شهری به جای رویکرد متخصص‌محور باید به‌دنبال ادراک شهروندان بود. از جمله رویکردهایی که جایگاه محتوا را در موضوع سیمای شهری برجسته می‌کند و براساس نظریه مکان، ارتباطی از نوع سوم بین عین و ذهن را می‌گیرد، رویکرد منظر است که نظم مقبول آن، نظمی است که محصول پذیرش تکثر ذاتی محتوای شهر یعنی شهروندان، تاریخ و جغرافیا

در مقابل نظمی قرار می‌گیرد که قطعی است و اسناد هدایت توسعه شهر تهران از شش دهه گذشته آن را دنبال می‌کنند (جدول ۴).

است لذا نمی‌تواند تابع نظر گروهی خاص باشد بنابراین حداقلی بودن، ویژگی آن است. این نظم استنباطی و حد آن حداقلی است و منطقی سیال دارد. از این رو کاملاً

جدول ۴. جایگاه نظم سیمای شهری در نسبت با معرفت‌شناسی. مأخذ: نگارنده.

نظم در سیما	معرفت‌شناسی	اندیشه	حد نظم	منطق	مدیریت سیما
قطعی	جدایی سوژه و ابژه	مدرن	حداکثری	ثابت	متخصص محور
استنباطی	درهم تنیدگی سوژه و ابژه	پس مدرن	حداقلی	سیال	ادراک محور
فاقد نظم	التقاط رویکردی	التقاطی	آشفته	سیال	غیرقابل مدیریت

پی‌نوشت‌ها

۱. Urban Appearance

۲. Urban Landscape

۳. نظرات مردم در خصوص شهر تهران را باید در آیینۀ آثار نخبگان، نویسندگان، شاعران و هنرمندان دید. به دلیل وزن قابل توجه آثار بصری می‌توان به فیلم‌سازی اشاره کرد که به مردم می‌نگرند، از آنها الهام می‌گیرند و خود مردم و شهر آنها را بازنمایی می‌کنند. فیلم «طهران- تهران» داریوش مهرجویی و مهدی کرم‌پور در سال ۱۳۸۸، «آجاره‌نشین‌ها» اثر داریوش مهرجویی در سال ۱۳۶۵، «زیر پوست شهر» فیلم رخشان بنی‌اعتماد در ۱۳۷۹ از این جمله هستند.

۴. Objective

۵. Subjective

۶. Essence

آیت‌الله‌زاده شیرازی (ویراستار)، مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران. سازمان میراث فرهنگی کشور.

• بهرامی برومند، مرضیه. (۱۳۹۷). دیگری در اندرونی: واکاوی فضای جنسیتی. تپسا.

• بهزادفر، مصطفی. (۱۳۹۲). هویت شهر: نگاهی به هویت شهر تهران. شهر تهران.

• پاکزاد، جهان‌شاه و ساکی، الهه. (۱۳۹۳). تجربه زیبایی‌شناختی محیط. نشریه هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی، ۱۹(۳)، ۵-۱۴.

<https://doi.org/10.22059/jfaup.2014.55399>

• پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۹۹). نمای آشفته شهر. پایگاه خبری تحلیلی شهر. بازبایی شده در ۱۴۰۳/۵/۸، قابل دسترس در: <https://encr.pw/>

piSPg

• پالمر، ریچارد. (۱۳۷۷). علم هرمنوتیک، نظریه تأویل در فلسفه‌های شلایرماخر، دیلتای، هایدگر، گادامر (ترجمه محمد سعید حنایی کاشانی). هرمس. (اثر اصلی منتشره ۱۹۶۹)

• تغییر چهره معماری با بلوای رشد ناگهانی جمعیت/ معماری در تداوم زنده است/ معماری معاصر اختلاط درستی با فضای شهری ندارد/ معتقدم معماری معاصر ما پیشرفته شده است. (۱۳۹۵). پایگاه خبری وزارت راه و شهرسازی. بازبایی شده در ۱۴۰۲/۰۵/۲۰، قابل دسترس در:

<http://news.mrud.ir/news/26199>

• توسلی، محمود. (۱۳۷۱). پژوهش درباره فضاهای شهری و جایگاه آنها در زندگی و سیمای شهر. مجله آبادی، ۱(۴)، ۶۸ و ۶۹. <https://11nq.com/3ttq9>

• چالمرز، آلن اف. (۱۳۹۸). چیستی علم، درآمدی بر مکاتب علم‌شناسی فلسفی (ترجمه سعید زیباکلام). سمت. (اثر اصلی منتشره ۱۹۷۶)

• حائری، محمدرضا. (۱۳۷۵). معماری معاصر، معماری مدرن، ساختمان‌سازی. گفتگو، ۱۳(۱)، ۲۹-۳۶. <https://www.sid.ir/paper/431119/fa>

• حبیبی، سیدمحسن. (۱۳۸۹). شرح جریان‌های فکری معماری و شهرسازی در ایران معاصر با تأکید بر دوره زمانی ۱۳۵۷-۱۳۸۳. دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

فهرست منابع

• آبادیان، حسین. (۱۳۹۷). اصلاحات ارضی و تبعات اجتماعی مهاجرت روستائیان به شهر تهران. تحقیقات تاریخ اجتماعی، ۸(۲)،

۲۰-۱. <https://doi.org/10.30465/shc.2019.23751.1850>

• آتشین‌بار، محمد. (۱۳۹۲). خیابان، مقایسه تطبیقی منظر خیابان در تاریخ تهران معاصر [رساله دکتری، دانشگاه تهران]. کتابخانه دیجیتال

دانشگاه تهران. <https://11nq.com/7611T>

• از آموزش معماری تا خفه شدن کشور. (۱۳۹۳). باشگاه خبرنگاران جوان. بازبایی شده در ۱۴۰۲/۰۳/۲۴، قابل دسترس در: <https://11nq.com/g2Kjx>

• آشفته‌گی معماری ناشی از آشفته‌گی فرهنگ است. (۱۳۹۶). خبرگزاری دانشجویان ایران «ایسنا». بازبایی شده در ۱۴۰۲/۰۴/۱۰، قابل دسترس در: <https://encr.pw/iAweo>

• امین‌زاده، بهناز؛ حسینی، سید هادی و موسوی‌پور، سیدرضا. (۱۴۰۲). آسیب‌شناسی قوانین و مقررات تأثیرگذار بر نمای ساختمان‌های جدید (مورد مطالعه: محله حکیمیه شهر تهران). مطالعات شهری، ۱۳(۴۹)،

۴۷-۶۴. <https://doi.org/10.22034/urbs.2023.62799>

• باور، سیروس. (۱۳۷۹). پیشکشوتان معماری نوین ایران. معماری و شهرسازی، ۶۱(۶۰-۶۱)، ۸۸ و ۸۹.

• بحرینی، سید حسین. (۱۳۷۴). زبان طراحی شهری خودی. در باقر

- <https://doi.org/10.22059/jfaup.2012.30374>
- کسروی، رضا و هاشمی‌زادگان، سید امیر. (۱۴۰۲). مقایسه تطبیقی سیما، منظر، چشم‌انداز به‌عنوان برابرنهاده‌های فارسی «Landscape» انگلیسی. منظر، ۱۵(۶۴)، ۵۴-۵۹. <https://doi.org/10.22034/manzar.2023.393131.2237>
 - کلانتری، ایرج. (۱۳۸۴). گفتگو با ایرج کلانتری. شهر و ساختمان، ۳(۲۸).
 - کلانتری، عبدالحسین و منصور، امید. (۱۴۰۰). خوانش انتقادی فضا و زمان برنامه‌ریزی توسعه در حاکمیت اقتدارگرای پهلوی (طرح جامع شهر تهران در دههٔ چهل شمسی). مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۱۰(۳)، ۶۵۹-۶۸۷. <https://doi.org/10.22059/jisr.2021.285457.901>
 - گفت‌وگوی فرهنگی با موضوع بحران آشفتنگی در معماری کلان‌شهرها. (۱۳۹۵). هنر آنلاین. بازبایی‌شده در ۱۴۰۲/۰۵/۲۵، قابل دسترس در: <https://11nq.com/b2sSO>
 - گلی‌پور، مرجان؛ شهابیان، پویان و امین‌زاده گوه‌ریزی، بهناز. (۱۴۰۰). خوانش عوامل مؤثر بر ارتقای نماهای مسکونی شهر تهران از دیدگاه کنشگران. فصلنامهٔ برنامه‌ریزی توسعهٔ شهری و منطقه‌ای، ۶(۱۷)، ۱۱۹-۱۴۶. <https://doi.org/10.22054/urdp.2021.63069.1374>
 - مزینی، منوچهر. (۱۳۸۷). مقالاتی در باب شهر و شهرسازی. دانشگاه تهران.
 - معظمی، منوچهر. (۱۳۹۱). تعامل فرهنگ و معماری: تبیین مؤلفه‌های فرهنگی مؤثر بر معماری ایران در دورهٔ معاصر [رسالهٔ دکتری، دانشگاه تهران]. کتابخانه دیجیتال دانشگاه تهران. <https://encr.pw/xBh1Z>
 - معماری تهران آشفته است؛ گفتگو با بنگت لارسون. (۱۳۹۰). همشهری. بازبایی‌شده در ۱۴۰۲/۰۵/۰۸، قابل دسترس در: <http://www.hamshahrionline.ir/details/154708/City/city-affairs>
 - معماری مدرن ایران دچار نوعی آشفتنگی است. (۱۳۹۳). خبرگزاری تسنیم. بازبایی‌شده در ۱۳۹۶/۰۳/۳۰. <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1393/02/28/373411>
 - معینی علمداری، جهانگیر. (۱۳۸۵). روش‌شناسی نظریه‌های جدید در سیاست. دانشگاه تهران.
 - منصور، سید امیر. (۱۳۸۶). منظر شهری [جزوهٔ درسی، دانشگاه تهران] دانشگاه تهران.
 - منصور، سید امیر و مخلص، فرنوش. (۱۳۹۶). گسترهٔ معنای منظر و مترادف‌های آن در زبان فارسی. منظر ۹(۴۰)، ۲۱-۱۶. https://www.manzar-sj.com/article_59534.html?lang=fa
 - منصور، سید امیر. (۱۳۸۸). درس‌هایی از گزارش APUR دربارهٔ طرح جامع جدید تهران. منظر، ۱(۲)، ۷۷-۸۰. https://www.manzar-sj.com/article_247.html
 - منصور، سید امیر. (۱۳۹۵). نقد و بررسی طرح جامع تهران، ۸۶. پژوهشکدهٔ نظر.
 - مولوی، مهرناز. (۱۳۸۴). تحلیل زیباشناختی کالبد فضای شهری [رسالهٔ دکتری، دانشگاه تهران]. کتابخانهٔ دیجیتال دانشگاه تهران. <https://11nq.com/7qZxv>
 - میرقراچولو، عطیه. (۱۳۹۲). آشفته بازار معماری در تهران.
 - خاتمی، سیدمهدی و بوجاری، پوریا. (۱۳۹۹). تحلیل چالش‌های نماهای شهری تهران در سدهٔ اخیر. نشریهٔ علمی پژوهشی مدیریت شهری و روستایی، ۱۹(۵۸)، ۹۱-۱۱۱. <http://ijurm.imo.org.ir/article-1-2843-fa.html>
 - ذکاوت، کامران. (۱۳۸۹). معماری خیابانی و هویت سیمای شهری. دانش نما، ۱۹(۳)، ۱۷۹-۱۸۰.
 - رضازاده، راضیه. (۱۳۸۹). بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر کیفیت معماری شهری و سیمای شهر. مجلهٔ آبادی، ۳۸(۶۶-۴۷). <https://elmnet.ir/doc/39759-39632>
 - سلمانی، علی. (۱۳۸۹). دیدگاه هیوم در باب زیبایی. مجلهٔ پژوهش‌های فلسفی، ۴(۲۱۹)، ۷۱-۸۷. https://philosophy.tabrizu.ac.ir/article_370.html?lang=fa
 - سیمای شهری دچار آشفتنگی جدی است. (۱۳۹۵). خبرگزاری دانشجویان ایران «ایسنا». بازبایی‌شده در ۱۴۰۲/۰۴/۱۵، <http://www.isna.ir/news/95021408485>
 - شفیع، افسانه. (۱۳۹۴). معماری آشفته تهران. روزنامهٔ شرق شرق. بازبایی‌شده در ۱۴۰۲/۰۵/۳۱. <https://11nq.com/rYPXY.14020531>
 - شهبازی چگنی، بهروز؛ حجت، عیسی و ندیمی، حمید. (۱۴۰۲). تبیین مفهوم تخیل همدلانه در اندیشه‌های پراگماتیستی رورتی به‌مثابهٔ راهی برای برون رفت از اغتشاش در نمای بناهای مسکونی در شهرهای معاصر. فصلنامهٔ علمی مرمت و معماری ایران، ۱۳(۳۶)، ۹۱-۷۹. <http://dx.doi.org/%E2%80%8E%2010.52547/mmi.2305.14011111>
 - شهر در محاصرهٔ رومی‌ها! (۱۴۰۲). عطنا (رسانهٔ تحلیلی دانشگاه علامه طباطبائی). بازبایی‌شده در ۱۴۰۳/۰۵/۲۱، قابل دسترس در: <https://atna.atu.ac.ir/001H7X>
 - شیخ‌زین‌الدین، حسین. (۱۳۷۵). میزگرد برای اسلامی کردن سیمای شهر چه می‌توان کرد؟. مجلهٔ آبادی، ۲۲(۴۰-۴۵).
 - صادقی، علیرضا؛ موسوی سروینه باغی، الهه سادات و خدائی، زهرا. (۱۳۹۷). کاربست رویکرد ایرانی اسلامی در فرایند تحلیل و ارتقای کیفیت نماهای شهری. معماری و شهرسازی ایران، ۹(۲)، ۶۹-۸۴. <https://doi.org/10.30475/isau.2019.87934>
 - صحت، مینا. (۱۳۸۹). مشاهدات پروفیسور سایمون بل از طراحی شهری تهران. طراحی صنعتی ایرانی. بازبایی‌شده در ۱۴۰۲/۰۳/۰۹، <http://www.newdesign.ir/search.asp?id=836&rnd=4362>
 - صفامنش، کامران. (۱۳۹۹). یک قرن و نیم است که معماری ایران به تولید عکس‌برگردان جهان مدرن پرداخته است. گفتار معمار. بازبایی‌شده در ۱۴۰۳/۰۵/۲۲. <https://encr.pw/S4rmF>
 - طباطبائی، سید جواد. (۱۳۹۶). سخنرانی در نشست اندیشهٔ ایران‌شهری. مؤسسه اقبال لاهوری.
 - ظریف‌پور لنگرودی، آناهیتا؛ البرزی، فریبا و سهیلی، جمال‌الدین. (۱۴۰۱). بررسی نماهای خیابان‌های شهری از منظر ادراک شهروندان (نمونه موردی: پیاده‌راه ۱۵ خرداد، تهران). نشریهٔ تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۲۲(۶۶)، ۳۲۵-۳۴۱. <http://dx.doi.org/10.52547/jgs.22.66.325>
 - عبدالکریمی، بیژن. (۱۳۸۷). ما و جهان نیچه‌ای. علم.
 - کرباسی، عاطفه. (۱۳۹۱). معماری امروز و ابهامی در باب ثابت و متغیر. نشریهٔ هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی، ۱۷(۳)، ۶۱-۷۰.

- and stress. *Urban Forestry & Urban Greening*, 2(1), 1-8. <https://doi.org/10.1078/1618-8667-00019>
- Gray, D. E. (2004). *Doing research in the real world*. SAGE.
 - Heynen, H. (1999). *Architecture and modernity: A critique*. MIT Press. https://books.google.com/books/about/Architecture_and_Modernity.html?id=hGFZl9sHlUC
 - Hu, C., Jia, S., Zhang, F., Xiao, C., Ruan, M., Thrasher, J., & Li, X. (2023). UPDExplainer: An interpretable transformer-based framework for urban physical disorder detection using street view imagery. *ISPRS Journal of Photogrammetry and Remote Sensing*, 204, 209-222. <https://doi.org/10.1016/j.isprsjprs.2023.08.017>
 - Kweon, B. S., Ulrich, R. S., Walker, V. D., & Tassinari, L. G. (2008). Anger and stress: the role of landscape posters in an office setting. *Environment and Behavior*, 40(3), 355-381. <https://doi.org/10.1177/0013916506298797>
 - Reese, W. L. (1980). *Dictionary of philosophy and religion*. Humanity Books.
 - Thompson, I. H. (2016). The role of theory. In A. van den Brink, D. Bruns, H. Tobi, & S. Bell (Eds.), *Research in landscape architecture: Methods and methodology* (pp. 37-53). Routledge.
 - Toulmin, S. (1990). *Cosmopolis: The hidden agenda of modernity*. University of Chicago Press. <https://books.google.com/books/about/Cosmopolis.html?id=6bYgQ26xGXMC>
 - Warren, S. (2009). The postmodern city. In R. Kitchin & N. Thrift (Eds.), *International encyclopedia of human geography* (pp. 355-362). Elsevier. <https://doi.org/10.1016/B978-008044910-4.01071-3>
 - <https://www.l1nq.com/LaHfh>
 - خیرگزاری جمهوری اسلامی ۱۳۱۳ «ایرنا». بازیابی شده در <https://www.l1nq.com/LaHfh>
 - نزیبت، کیت. (۱۳۹۳). نظریه‌های پسامدرن در معماری (ترجمه محمدرضا شیرازی). نی. (اثر اصلی منتشره ۱۹۹۶)
 - نصر، طاهره و ماجدی، حمید. (۱۳۹۲). نگاهی به مقوله هویت در شهرسازی. *آرمانشهر*، ۶ (۱۱)، ۲۶۹-۲۷۷. https://www.armanshahrjournal.com/article_33478.html
 - هاشمی‌زادگان، سیدامیر. (۱۳۹۸). نقدی بر کتاب «تحقیق در معماری منظر: روش‌ها و روش‌شناسی»، مصادره‌کردن مفاهیم به نفع موضعی عملگرا. *منظر*، ۱۱ (۴۸)، ۵۴-۵۶. <https://doi.org/10.22034/manzar.2019.195222.1985>
 - Cohen, L., Manion, L., & Morrison, K. (2018). *Research methods in education* (8th ed.). Routledge. https://books.google.com/books/about/Research_Methods_in_Education.html?id=p7oifuW1A6gC
 - Couper, P. R. (2020). Epistemology. In A. Kobayashi (Ed.), *International encyclopedia of human geography* (2nd ed., pp. 275-284). Elsevier. <https://doi.org/10.1016/B978-0-08-102295-5.10640-7>
 - Deming, M. E., & Swaffield, S. (2011). *Landscape architectural research: Inquiry, strategy, design*. John Wiley & Sons. https://books.google.com/books/about/Landscape_Architectural_Research.html?id=FMgq98KFI98C
 - Flick, U. (2004). *A companion to qualitative research*. SAGE. https://books.google.com/books/about/A_Companion_to_Qualitative_Research.html?id=6lwPkSo2XW8C
 - Fortier, B. (1995). *Love for the City*. Archis, 69-80.
 - Grahn, P., & Stigsdotter, U. A. (2003). Landscape planning

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله:

کسروی، رضا. (۱۴۰۳). تحلیل خوانش جریان‌های معاصر معماری و شهرسازی ایران از آشتگی سیمای شهری تهران از منظر معرفت‌شناسی، ۲۱ (۱۳۹)، ۷۵-۸۶.

DOI: 10.22034/BAGH.2024.475093.5669

URL: https://www.bagh-sj.com/article_210452.html

